شـعارهای سـالانه، واجد پیام‌هایی اسـت که ارزش فرمان حکومتی برای مسؤولان (اصل ۵۷ قانون اساسی) و ارزش شرعی برای شهروندان دارد به این معنا که مسؤولان کشور از باب اعمال حاکمیت ولی‌فقیه و مشروعیت تصرفات‌شان بنا بر رهنمودهای ولی فقیه، باید از حکم ایشـان تبعیت کنند و شهروندان نیز از باب تکلیف شـهروندی عضویت در جامعه اسلامی لازم است از فرامین صادره اتباع کنند و این تکلیف نیز از باب تقلید از مرجع تقلید نیست، بلکه از باب وفاداری نسبت به حکومت است که در تمام نظام‌های دنیا نیز پذیرفته شده و جزو لاینفک مفهوم حقوق شهروندی و اصل حاکمیت قانون شناخته می‌شود. شعار امسال تحت عنوان «حمایت از کالای ایرانی»، شعاری است که رعایت آن برای مسؤولان در تصمیمات و اقدامات‌شان لازم‌الاتباع و برای مردم در انتخاب‌های‌شان یک مسؤولیت اجتماعی است. با این وجـود این تکلیف، زمانی می‌تواند با یک ضمانت اجرایی قاطع، از هرگونه اقدام خلاف بویژه توسط دولت و کنشگران عمده بازار جلوگیری کند که از الزام قانونی مؤثر و البته انگیزاننده بهره ببرد. مجموعه‌ای از قوانین وجود دارد که نظام بازار ملی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و لازم است همه تک به تک و همچنین یکپارچه در راستای هدف مورد نظر برنامه‌ریزی شود. مجموعه این قوانین عبارتنـد از قانون امور گمرکی، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قانون حمایت از مصرف‌کننده، قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، قانون حداکثر استفاده از توان داخلی، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسـی جمهوری اسـلامی ایران و برخی قوانین دیگر که احکامی مرتبط در آنها وجود دارد همانند قوانین تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۱۳۸۰، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۳)، قانون کار (با تاکید بر قانون کار در حوزه فناوری)، قانون خط‌مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، مجموعه قوانین مالیاتی (مالیات‌های مستقیم و مالیات بر ارزش افـزوده)، قانون صادرات و واردات، قانون تأمین اجتماعی، قانون عملیات بانکی بدون ربا و قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی و کاهش هزینه‌های طرح و تسـریع در اجرای طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارآیی بانک‌ها و همچنین قانون افزایش بهره‌وری بخش کشـاورزی و منابع طبیعی. این قوانین بایـد برای دسـتیابی به هدف حمایت موثر و نه اسـمی تولید داخلـی، به روز و اصلاح شـود. با این وجود نکته آن اسـت که قوانین موجود، ماحصل توجه و وضع سیاسـتمداران است و نه حقوقدانـان. برای حقوقدانان حکمت و حاکمیت قانون اهمیت دارد و برای عمده سیاستمداران، اقدام سیاسی با قانون که بیشتر جنبه شـعار و همراهی ظاهـری دارد و در عمل هیچ انتظاری نباید از آن داشت. در نتیجه برای حقوقدانان پیش‌بینی پیامدها و نتایج خواسته و ناخواسته قانون مهم است. به عبارت دقیق‌تر مهم است که از قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشـور و تقویت آنها، امکان واردات کالاهای خارجی دارای مشـابه داخلی به هیچ بهانه‌ای حاصل نشود یا به واسطه قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی، امکان واردات محصولات کشاورزی خارجی با سود بازرگانی کم فراهم نشود، در واقع لازم است به یک میزان ممنوعیت و انگیزش به صورت توأمان و موثر برای همه کنشگران دولتی و غیردولتی فراهم شـود تا کالای داخلی را تولید، عرضه، تجارت، استفاده و تبلیغ کنند. این دقت‌ها چیزی است که قانون را برای رسیدن به هدف موثر می‌کند و ما قصد داریم صرفاً ۲ نمونه از کاستی‌های تقنینی در حوزه قانونگذاری را تحلیل و آسیب‌شناسی کنیم.

الف- آسیب‌شناسی عرصه استفاده از توان تولیدی و خدماتی داخل

یکی از مهم‌ترین قوانین در راستای تحقق شعار «حمایت از کالای ایرانی»، قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشـور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده «۱۰۴» قانون مالیات‌های مسـتقیم (مصوب ۱۳۹۱) است. بنا بر مفاد این قانون، لازم اسـت همه دسـتگاه‌های کشور اعم از همه وزارتخانه‌ها، سـازمان‌ها، مؤسسـات، شرکت‌های دولتی یا وابسـته به دولت موضوع ماده «۴» قانون محاسـبات عمومی کشور، بانک‌ها، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی موضوع ماده «۵» قانون موصوف، مؤسسات عمومی یا عام‌المنفعه، بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی، سازمان‌ها، بنگاه‌ها، صنایع، کارخانجات و همچنین همه سـازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات، دستگاه‌ها و واحدهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است از قبیل وزارت نفت و شـرکت‌های تابعـه، در تأمین کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای امور خدمات مهندسی مشاور، پیمانکاری ساختمانی و تأسیساتی، تأمین تجهیزات همه پروژه‌های کشور از تولیدات داخلی اسـتفاده کنند. منظور از تولید داخل نیز کالا، تجهیزات، خدمات یا محصولاتی اعم از سخت افزار، نرم‌افزار، فناوری و نشان [برند] اسـت که صددرصد آن با طراحی متخصصان ایرانی یا به طریق مهندسـی معکوس یا انتقال دانـش فنی و فناوری انجام می‌شود. سوال این است: «با چنین حکم الزام‌آوری چرا بسیاری از دستگاه‌های اجرایی بویژه شرکت‌های دولتی در عمل رویه‌ای متفاوت در پیش گرفته و بعضاً خود ابزار گسـترش اسـتفاده از کـالای خارجی را فراهم می‌کنند؟» پاسـخ اجمالا به «بد بودن قانون» بازمی‌گردد؛ چرا که:

۱- قانـون یادشـده، ضمانـت اجرایی موثـری برای برخـورد با مستنکفین از حکم وضع‌شـده را پیش‌بینی نکرده است. در واقع از مشکلات قانونگذاری سیاسی این است که احکام متعددی وضع می‌شـود که حقوقی نیست یعنی برای ناقضان قاعده، مجازاتی را در نظر نگرفته اسـت و با وجود امر قاطع به یک امر، به هر ناقض قاعده‌ای اجازه تجری و بی‌حرمتی به قانون را می‌دهد. علیهذا لازم است قانون برای نقض تکالیف و تعهدات، مجازات متناسب با میزان انحراف از روح قانون و خسارت‌های وارده به تولید و عرضه کالای ایرانی را تعیین کند و حتی از الگوی مجازات‌های تنبیهی برای عدم تکرار تخلف از قانون بهره ببرد.

این قانون هم متاسفانه از آسیب «قانون با دوربرگردان» رنج می‌برد، یعنی متن قانون دارای احکام استثنایی است که همیشه اجازه نقض قانون و هدف قانونگذار را فراهم می‌کند. ماده «۴» این قانون مقرر می‌دارد: «دسـتگاه‌های موضوع ماده «۲» این قانـون موظفند در اجرای کلیه طرح‌هـا و پروژه‌های خدماتی، سـاخت، نصب و تأمین کالاها، تجهیزات، لوازم و فرآورده‌ها به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند کـه حداقل پنجاه و یک درصد (۵۱ درصـد) هزینه هـر طرح و پروژه آنها به صـورت کار در داخل کشور باشـد. با توجه به فهرست تولیدات داخلی موضوع ماده «۳» این قانون اگر اسـتفاده از تولیدات و خدمات داخل کشور ممکن نباشد، با توافق بالاترین مقام اجرایی دستگاه‌های موضوع ماده «۲» این قانون حسب مورد و وزیر صنعت، معدن و تجارت، دستگاه‌های مزبور می‌توانند نیاز طرح یا پروژه خود را از خدمات یا محصولات خارجـی تأمین کنند.» به این ترتیب نقض روح قانون و هدف قانونگـذار با مجوز وزیر صنعت، معدن و تجارت بسادگی ممکن است. کما اینکه سال ۹۶، با مجوز مربوط امکان خرید کالاهای متعـددی از جمله ده‌ها خودروی خارجی برای دستگاه‌های دولتی و عمومی فراهم شده و در مواردی نیز برای این خریدها به قید «بدون رعایت شرط داشتن نمایندگی رسمی در ایران» تصریح شده است. به هر حال قانون باید یک سازوکار کاملا سختگیرانه و چند مرحله‌ای را برای کالاهای غیرقابل تهیه از تولیدکنندگان داخلی طراحی می‌کرد به نحوی که حتما در گردش کار «سوال از عدم امکان تهیه کالا یا خدمت مورد نظر از داخل»، صنف و تولیدکنندگان داخلی نیز به نداشتن یا ناتوانی در تولید کالای مذکور اذعان کرده و کارشناسان فنی ذی‌صلاح نیز تهیه آن کالا را جهت انجام خدمات عمومی، حیاتی تشخیص دهند. در نهایت هم نه فقط شخص وزیر صنعت، معدن و تجارت که مجموعه‌ای از پیوسـت‌ها و اسناد در سامانه‌ای غیر قائم به شخص، امکان خرید خارجی را در حد ضرورت (از نظر میزان و از نظر زمان) فراهم کند. (الضرورات تبیح المحظورات و ما أبیح للضروره یقدر بقدرها)

۲- برای حمایت از کالای داخلی، لازم است از قواعد بازار تبعیت شـود. اجمال قواعد بازار بر محور سـود و امکان رقابت ترجیحی طراحی شده است. در نتیجه باید به نحوی از کالای داخلی حمایت کرد که کالای داخلی، بتواند با قیمتی ارزان‌تر، باکیفیت و ضمانتی استثنایی، خریداران و مصرف‌کنندگان را به سمت خود جذب کند. در اینجا لازم است قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشـور، با مجموعـه‌ای از قوانین گره خورده و به‌طور عینی و منجز منافع کاملا ملموسـی را برای کالای داخلی فراهم کند. اینکه چه انگیزاننده‌هایی باید وجود داشته باشد خود مبحثی مفصل است که در یادداشت‌هایی علیحده به آن خواهیم پرداخت ولی مجموع حمایت‌های تعرفه‌ای قابل اتکا، تسـهیلات مالیاتی و بیمه‌ای، کمک به برندسازی، ارائه خدمات شتاب‌دهنده، رفع بروکراسـی بسـیار ناکارآمد درباره کالاهای داخلی و استقرار الگوهای کندکننده فعالیت برای کالاهای خارجی مصرفی و دارای نمونه داخلی، انتقال فنـاوری یارانه‌ای به تولیدکنندگان، افزایش کیفیت و تضمین کالاها و تولیدات آنها، شناسایی رقبای موجود و کمک به آنها برای ایجاد سـهم مسـلط بر بازار از طرق مختلف از جملـه ادغام، تبلیغـات موثر برای کالاهای داخلـی و... از زمره مهم‌ترین ابزارهای تشویقی برای حمایت از کالای داخلی است.

۳- قوه‌قضائیـه به تکلیف خـود وفق مـاده «۲۲» قانون عمل نکرده است. به عبارت دیگر قوه مکلف است شعبه یا شعباتی از دادگاه‌های عمومی را برای رسیدگی و صدور حکم تخلفات ناشی از عـدم اجرای این قانون توسـط بخش‌های دولتی و غیردولتی اختصاص دهد ولی در عمل به دلایل متعددی شـاهد تشکیل شعب مربوط و رسیدگی به تخلفات ناشی از نقض قانون نیستیم. عمده این دلایل به نظر می‌رسـد عبارتند از: ۱) دادستانی (وفق وظیفه موضوع ماده ۲۲ و ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری) هنوز تعهدی منجز برای صیانت از حقوق عامه من جمله حمایت از کالا و تولید داخلی تعریف نکرده اسـت و در نتیجه نمی‌تواند مقدمـات لازم برای اجرای مـاده «۲۲» قانون را فراهم کند؛ ۲) اینکـه مجازات تخلـف از اجرای قانون به دلیـل وضع بد قانون مشخص نیست؛ ۳) احتمالا همانند موارد متعدد دیگر، قوه‌قضائیه با مسـأله بودجه درگیر بوده و امکان تخصیـص قاضی و ایجاد ساختار جدید ندارد.

در حالی که در میان‌برنامه‌های پربازدید از جمله سریال‌ها و فیلم‌ها و برنامه‌های شـاد، لااقل چند شـرکت خارجی، سهمیه تبلیغات همیشگی داشته باشند. شـاید اگر رسانه ملی الگوی تبلیغات را وارونه کند و به‌طـور کلی تمام تبلیغات کالاهای خارجی به یک شبکه صرفا تجاری منتقل و میان‌برنامه‌های پربازدید را به تبلیغات رایگان کالاهای ایرانی اختصاص دهد می‌تواند ادعا کند اقدامی موثر برای حمایت از کالای داخلی انجام داده اسـت. هرچند همچنان این سوال قابل طرح است که آیا یک رسانه ملی، باید از کالاهای داخلی برای پخش تبلیغات، آن هم در سال حمایت از تولید ملی هزینه مطالبه کند؟ در ادامه مطابق بند «ب» ماده «۵» «آیین‌نامه ساماندهی تبلیغات کالاها و خدمات موضوع ماده «۸» قانون رفع موانـع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشـور» مصوب ۹۴ در راسـتای الزامات قانون رفع موانع تولید، صداوسیما موظف به پخش حمایت‌های تبلیغی از کالاها و برندهای داخلی شده است. بنـد مذکور مقرر می‌دارد: «اعمال حمایت‌های تبلیغاتی از طریق دسـتگاه‌های اجرایی مسـؤول تولید کالا و یا ارائه خدمات جهت اجرای برنامه‌های ترویجی نشان(برند)های تجاری منتخب موضوع این آیین‌نامه از طریق سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران از محـل اعتبارات مصوب مربوط.» با وجود این حکم نیز، با توجه به مقید بودن حکم به اعتبارات مصوب مربوط که حتما این رسانه آن را جدا از اعتبارات سازمانی خود می‌داند، نمی‌توان انتظار موثر حمایت از کالاها و برند داخلی و توأمان عدم تبلیغ کالای خارجی مصرفی را داشت. متاسـفانه این مجموعه ملاحظات یادشده، در طرح ۳۱ ماده‌ای مجلس شـورای اسـلامی نیز مدنظر قانونگذار – مرکز پژوهش‌ها– قرار نگرفته و صرفـا در بند «۲» ماده «۲۹» عبارتی کلی و غیرسـازنده آورده شده است: «صداوسیما موظف به اقدامات لازم جهت فرهنگ‌سازی مصرف کالاهای تولید داخل می‌باشـد.» در هرصورت باید در تنظیم «طرح اداره و نظارت بر سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی» الزاماتی لازم‌الاجرا، همراه با مجازات مسـتنکفین از قانون در نظر گرفته شود تا صداوسیما حتی با بهانه بودجه، نتواند آنتن پخش برنامه‌های خود را بر خلاف مصالح ملی و سیاسـت‌های اعلامی و ابلاغی، اجاره دهد. به علاوه آنکه سازمان بازرسی کل کشور وفق اصل «۱۷۴» قانون اساسی بر حسن اجرای قانون یاد شده نظارت کرده و از طریق مجازات‌های عـام اداری و کیفری، مانع نقض الزامات قانونی خط مشـی کلی و اصول برنامه‌های سـازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران شود. هرچند تعهدات این سازمان از صلاحیت تکلیفی دادستان نیز نمی‌کاهد و وی باید نسـبت به منافع ملی که از جمله آن واردات و تبلیغ لجام‌گسـیخته و غیرقانونی کالاهای خارجی است، اقدام قانونی مقتضی شـامل طرح دعوا و پیگیری قضایی در محاکم و مراجع ذی‌صلاح را انجام دهد.

■ **جمع‌بندی**

دسـتیابی به اهداف سند چشـم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افـق ۱۴۰۴ کـه از جمله آن «برخورداری از دانش پیشـرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سـهم برتر منابع انسـانی و سـرمایه اجتماعی در تولید ملی» است محقق نمی‌شود مگر در پرتـو «حمایت از کالای ایرانـی». این حمایت نیز نیازمند تامین بسـترهای لازم و ریلگـذاری اسـت. به این ترتیـب که مقتضی اسـت فرهنگ مصـرف برند داخلی را جایگزیـن برند و کالاهای خارجی کرد و البته دولت نیز باید از تولید کالای با کیفیت داخل حمایـت کـرده، ورود کالاهای خارجی را به صورت مسـتقیم و غیرمستقیم – بویژه از طریق فروش کالاهای قاچاق توسط سازمان اموال تملیکی موضوع فصل نهم قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز – مدیریت کرده و خود نیز از این محل مصارف خود را تامین کند. در این راسـتا، نقش قوانین بسـیار جدی است یعنی تا زمانی که قوانیـن به انحای مختلف امکان واردات، توزیع و خرید و تبلیغات کالای خارجی را فراهم می‌کنند، نمی‌توان به تحقق هدف حمایت از کالای داخلی خوشبین بود. از جمله مهم‌ترین قوانین معیوب در این‌باره، می‌توان به قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده «۱۰۴» قانون مالیات‌های مستقیم (مصوب ۹۱) و قانون خط‌مشی کلی و اصول برنامه‌های سـازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد که عمده ضعف این قوانین عبارت است از فقدان ضمانت اجرایی عینی در برخورد با مستنکفین و ناقضان قاعده. از سوی دیگر در تضمین حسن اجرای هر دو قانون، نهادهای قضایی بویژه دادستان به وظایف قانونی خود عمل نمی‌کنند و متخلفان را بـرای پیگیرد قضایی به محاکم ذی‌صلاح جلب نمی‌کنند. این ملاحظات هیچ یک در طرح پیشنهادی «حمایت از تولید ملی» مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است.

*عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق(ع)

منبع: مؤسسه پژوهشی- فرهنگی انقلاب اسلامی

آسیب‌شناسی قوانین حوزه حمایت از تولید داخلی

یک دوست و هزار دشمن

■ دکتر سیدمحمدمهدی غمامی* ■

واقعیتی که روز به روز بیشتر به آن پی می‌برند

ایران ضامن امنیت و استقلال کشورهای منطقه

احمد روح‌الله‌زاد*: مردم ایران با انقلاب اسلامی سال ۵۷ و تاسیس نظام اسـلامی؛ آمریکا را از کشـور خود بیرون راندند و در مسیر تقلال گام برداشتند. هر چند در ابعاد سیاسی و نظامی و فرهنگی این استقلال تا حد زیادی خودنمایی می‌کند اما هنوز برای رسیدن به اسـتقلال اقتصادی گام‌های زیادی باید برداشـته شود. تاکید قریب یک دهه‌ای مقام معظم رهبری بر اقتصاد مقاومتی در همین چارچوب انجام شده است و ورود جریان سلطه به رهبری آمریکا در عرصه تحریم‌های مالی و اقتصادی ایران نیز شـاخص دیگری است که نشان می‌دهد ایران باید در تدوین و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها برای رسیدن به استقلال اقتصادی اهتمام بسیار ویژه‌ای داشته باشد، زیرا جریان سلطه که امام خمینی(ره) از آن به‌عنوان اسـتکبار جهانی و صهیونیسـم بین‌المللی یاد می‌کردند؛ جنگ اقتصادی را آخرین راهکار خود برای تسـلیم ملت ایران انتخاب کرده است. ملت ایران با این درک که استقلال واقعی کشور تنها در پرتو حذف مولفه‌های مزاحم از سطح منطقه تحقق خواهد یافت، حمایت از آرمان آزادی فلسـطین و قدس شریف را به‌عنوان یک آرمان فراگیر امتی، در دستور کار خود قرار داد. حاصل این انتخاب راهبردی شکل‌گیری محور مقاومت و ورود آمریکا به چالشی بسیار جدی در سطح منطقه شد و بسیاری از پایگاه‌های آمریکا در سطح منطقه در معرض موج استقلال‌خواهی قرار گرفتند. موجی که از آن تعبیر به بیداری اسلامی یا بهار عربی می‌شود که از تونس آغاز و تقریبا همه کشـورهای عربی منطقـه را فراگرفت؛ تا جایی که تحلیلگران اعلام کردند آمریکا به‌عنوان هژمون برتر جهانی دیگر جایی در منطقه ندارد و این مسأله جایگاه این کشور را در سطح جهانی تغییر داده است. جریان صهیونیسم جهانی برای بازتعریف هژمون خود و حفظ پایگاه‌های در سطح منطقه، تروریسم تکفیری را تعریف کرد اما محور مقاومت به رهبری ایران این طرح خطرناک را هم خنثی کرد (هرچند هنوز خطر تروریسـم تکفیری وجود دارد). اسرائیل به‌عنوان پایگاه اصلی جریان صهیونیسم در جهان اسـلام تعریف شده اسـت و آمریکا هم در راس هرم صهیونیسم بین‌الملل قرار دارد. بر این اسـاس آمریکا برای بازگشـت هژمون منطقه‌ای خود نگاه به اسرائیل دارد و از نگاه این رژیم به تحولات منطقه نگاه می‌کند. اساسـا فروپاشی عراق و سوریه و لبنان یک هدف اسـرائیلی است اما هم عراق و هم سوریه و لبنان با کمک ایران از فتنه تروریسـم تکفیری و فروپاشی خلاص شدند. کمک‌های ایران که بر اساس سیاست تامین منافع ملی در چارچوب منافع امتی ارائه شد، موجب تقویت جایگاه ایران در سطح منطقه و بویژه در روابط با عراق و سـوریه و لبنان شده است. رابطه‌ای که با توجه به طرح‌های آمریکا و اسرائیل باید حفظ شود، زیرا توطئه آمریکا و اسـرائیل بسیار گسترده است و خنثی‌سـازی این توطئه تنها در قالب کار جمعی می‌تواند انجام شـود. بر این اسـاس باید گفت هم کشورهای منطقه به ایران نیاز دارند و هم ایران به آنها نیاز دارد. ایران نشـان داده مهم‌ترین ضمانت برای استقلال عراق و سوریه و لبنان است. بنابراین انتظار طبیعی ایران از این کشورها حضور شاداب در محور مقاومت بر اساس آرمان آزادی فلسطین و قدس شـریف است و وحدت محور مقاومت یک ضرورت منطقی برای تامین استقلال واقعی کشـورهای عضو این محور است. ایران از همان سال نخسـت پیروزی انقلاب اسلامی با تهدیدهای جدی براندازانه روبه‌رو بوده است:

- فعال شدن جریان‌های تروریستی که قریب ۲۰ هزار قربانی از اقشار مختلف ایران گرفته است
- کودتای نوژه برای بازگرداندن رژیم سـابق یا دست‌کم استقرار یک حکومت غیردموکراتیک
- جنگ تحمیلی حزب بعث عراق که ۸ سـال طول کشـید و بسیاری از منابع و امکانات کشور را نابود کرد
- محاصره اقتصادی کشور
- راه‌اندازی جنگ روانی با هدف مدیریت ذهن‌های اجتماعی در جهت اهداف مطلوب خود

اما جامعه ایران به دلیل وجود عقبه تاریخی و تمدنی خود از عمده این بحران‌ها عبور کرده اسـت و اینک در مرحله مدیریت ذهن‌های اجتماعی هم با توجه به همین عمق تاریخی و تمدنی تا حد زیادی جریان صهیونیسم را ناکام گذاشته است اما کشورهای دیگر منطقه به دلیل نداشتن عمق تاریخی و تمدنی عبور سختی در مرحله مدیریت ذهن اجتماعی خواهند داشت و نیاز به انتقال تجربه ایران دارند. ساختار دولت جدید عراق را با سنی‌ها بسته‌اند. رئیس‌جمهور از میان اکراد سنی است و رئیس مجلس هم از میان اهل سنت عرب انتخاب می‌شود و جریان سلطه فکر می‌کرد با این ساختار جدید، عراق را در کنترل خود خواهد داشت اما اهل سـنت در عراق یک بازیگر بخشـی است و این جامعه شیعه است که یک بازیگر کلان است و همین امر و استفاده عراق از کمک‌های ایران، موجب تحول جدی در عراق شـده است، لذا جریان سلطه احسـاس کرد برای کنترل عـراق باید روی جریان شیعه در این کشـور سرمایه‌گذاری کند. بر همین اساس رژیم‌های پیشرو عربی در همکاری با جریان صهیونیسم ماموریت پیدا کردند در جریان‌های شیعه نفـوذ و اتحاد و اتفاق آنهـا را از بین ببرند. دعوت از مقتدا صدر و عمار حکیم برای سفر به عربستان، قبل از برگزاری انتخابات و طرح مباحثی چون انتقال مبالغ هنگفتی پول از عربستان و خودروهای زرهی و پول‌های توزیع شده سفیر امارات در همین چارچوب قابل ارزیابی است. در واقع این اقدام عربستان و امارات کلید زدن جنگ نرم جریان صهیونیستی سلطه درباره عراق است. همین موضوع در سوریه دنبال می‌شود و تعریف و فعال‌سازی جریانی که مواضع ضدایرانی در سوریه را مطرح می‌کند در همین چارچوب ارزیابی می‌شود. یعنی دشمن در لباس دوست وارد میدان شده است. در لبنان نیز همین رفتار را از سوی عربستان و امارات شاهد بودیم اما هم ملت عراق و هم ملت سـوریه و لبنان با توجه به سطح بالای هوشیاری اجازه موفقیت را از این طرح‌های ضدملی و صهیونیستی که توسط عربستان و امارات اجرا می‌شود، گرفتند هرچند نیاز به حفظ این هوشیاری سطح بالا همچنان احساس می‌شود. محور مقاومت باید با تقویت اتحاد خود بکوشد توطئه‌های دشمنان خود را خنثی کند. بویژه که رژیم صهیونیستی دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ را فرصتی بی‌تکـرار در تاریخ آمریکا می‌داند که نه قبلا بوده و نه بعدا تکرار خواهد شـد. از این رو معتقد اسـت در دوره ترامپ باید همه برنامه‌های منطقه‌ای خود را به نتیجه برساند. بنابراین لازم اسـت محور مقاومت نیز زمان‌شناس بوده و بر پایه شناخت دقیق از تحولات منطقه‌ای و نظام بین‌المللی طرح و برنامه داشته باشد. بی‌تردید رژیم‌های منطقه‌ای که بر اساس وابستگی به غرب در خدمت سیاست‌ها و طرح‌های جریان صهیونیسم قرار گرفته‌اند، خود در اهداف برنامه‌های صهیونیستی برای تغییرات بنیادین سـاختاری و تجزیـه قرار دارند و تنها راه سـلامت آنها پیوستن به محور مقاومت است که با عملکرد ۴۰ ساله خود ثابت کرده است ضامنی صادق و البته مقتدر در صیانت از منافع، امنیت و استقلال همه کشورهای منطقه است؛ موضوع مهمی که دیر یا زود به آن پی خواهند برد.

---

*دبیر کمیسیون سیاسی و امور بین‌الملل جمعیت دفاع از ملت فلسطین

منبع: خبرگزاری بین‌المللی قدس